

فلسفه در دوران ما

ندا حسینی



سرشناسه: حسینی، ندا، ۱۳۶۵
عنوان و نام پدید آور: فلسفه در دوران ما / نویسنده ندا حسینی
مشخصات نشر: تهران: نشر ادريس، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهري: ۱۴۴ ص
فروست: فلسفه سياسي. اندیشه سياسي
شابک: ۹۰۰۰ ریال. 4-71-7759-600-978
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: جهانی شدن -- فلسفه
Globalization--Philosophy
رده ی کنگره: ۸۱۳۹۶ ج/۵۱۳۱۸ JZ
رده ی دیوید: ۳۲۷/۱۰۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۳۸۹۱۷



فلسفه در دوران ما

ندا حسینی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قطع: رقعی

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: 4-71-7759-600-978

حق چاپ: نشر ادريس، ۱۳۹۶.

تمامی حقوق محفوظ است.

فهرست

مقدمه: ۱

فصل اول: فلسفه، ملکه‌ی علوم: ۵

واژه‌شناسی: ۶

سیریف فلسفه: ۷

اهمیت فلسفه: ۱۰

فلسفه و سایر علوم: ۱۲

فصل دوم: فرآیند جهانی‌شدن: ۳۹

واژه‌شناسی: ۳۹

تعریف جهانی‌شدن: ۴۱

تاریخچه‌ی جهانی‌شدن: ۴۴

نظریات در باب فرآیند جهانی‌شدن: ۴۶

زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری جهانی‌شدن: ۵۶

ابعاد جهانی‌شدن: ۶۰

موافقان و مخالفان جهانی‌شدن: ۸۸

پی‌آمدهای جهانی‌شدن: ۹۰

فصل سوم: فلسفه و جهانی شدن: ۱۰۳

نگاه فلسفه به جهانی شدن: ۱۰۳

جایگاه فلسفه در عصر حاضر: ۱۱۵

دلایل افول فلسفه: ۱۱۷

اهمیت تربیت فلسفی: ۱۲۰

نتیجه گیری: ۱۲۵

منابع: ۱۳۳

www.ketab.ir

در کتابی که پیش رو دارید تلاش شده است تا در میان هیاهویی که عصر حاضر به راه‌انداخته، به واسطه‌ی تحولی که در عرصه‌های مختلف ایجاد نموده، نگاهی هر چند کوتاه به وضعیت تفکر در این مایه داشته باشیم.

فلسفه در عصر حاضر، دارای تعریفی آشفته و مبهم است، و یکی از علت‌های آن این است که، فلسفه با تصورات فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی بسیار گره می‌خورد و تعریف فلسفه نیز به این مؤلفه‌ها پیوند خورده است. چیزی که ما شاهد آن هستیم تنها تعاریف آشفته و مبهم از فلسفه نیست، بلکه شاهد فلسفه‌ای تضعیف شده، در عصر حاضر می‌باشیم. روندی که از خرون‌سطح در مبارزه با خردورزی آغاز شد و موجب شد تا فلسفه از دین جدا دیده شود، در ادامه‌ی این جریان با ظهور کانت، فلسفه با جدا شدن از علم، اعتبار خود را به شکل گسترده‌ای از دست داد. فیلسوفان دیگر از حمایت مردم برخوردار نیستند چرا که دانشی را دنبال می‌کنند که هیچ سود مادی را به دنبال ندارد. اما با وجود همه‌ی این‌ها اگر کمی تأمل کنیم، می‌بینیم بدون گزاره‌های فلسفی نمی‌توان زیست و حتی برای بیان اتفاقات روزمره‌ی خود از فلسفه بی‌نیاز نیستیم. این احتیاج زمانی

بیشتر مشخص می‌شود که ما فلسفه را از زندگی خارج کنیم و آن‌گاه به شکل ملموسی خلا حاصل از آن را احساس می‌کنیم.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای فلسفه در جهان ما اهمیتی است که فلسفه به بحران‌های اخلاقی و معنوی زمانه قائل است. بی‌تردید، «بحران اخلاق و معنا» از مهم‌ترین بحران‌های دوران ما به شمار می‌آید و اینجا دقیقاً همان جایی است که فلسفه سخنان بسیاری برای گفتن و شنیده شدن دارد. به نظر نمی‌رسد که توقع و انتظار از فیلسوف آن باشد که همه این بحران‌ها را حل و فصل کند، اما حداقل فلسفه و فیلسوف می‌توانند تصویر و تعریف درستی از این بحران فراروی بشر جدید بگذارند. البته نقش فلسفه می‌تواند بسیار بیشتر از تعریف صرف بحران و مشکل باشد، اما به زعم ما، فیلسوف و فیلسوف همین نقش را هم به خوبی ایفا کنند، قدم‌های مهمی برای حل مشکلات بشری برداشته‌اند. بی‌تردید، نقش فلسفه در حل بحران‌های بشری با یاری گرفتن از رشته‌های معرفتی دیگر و تلفیق با آن‌ها پررنگ‌تر می‌شود. یکی از دلایلی که فلسفه جدیداً به صورت میان رشته‌ای تدریس می‌شود این است که با این کار می‌تواند مارتین بوبر و بیشتری در طرح مسائل و حل مشکلات بشری ایفا کند. وجه دیگر این پژوهش‌ها، توجه به دوره‌ی تاریخی است که از آن به جهانی شدن یاد می‌کنیم.

این که جهانی شدن چیست و چگونه می‌توان مفهوم، ماهیت، مشخصه‌ها و پی‌آمدهای این پدیده نو ظهور را به درستی شناخت؟ از جمله مسائلی است که سعی کردیم تا به آن بپردازیم. با توجه به مطالعات و رهیافت‌های علمی که تا این زمان صورت گرفته است، ولی هنوز ابعاد و ماهیت این جریان جهان روشن نیست. برخی نظریه پردازان از منظر جامعه شناختی، تأثیر آن را بر ساختارها و روابط اجتماعی، مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی دیگر از صاحب‌نظران از دیدگاه سیاسی، تأثیر این فرآیند بر ساختارهای سیاسی و مناسبات قدرت و روابط دولت و ملت و دولت‌ها با یکدیگر به لحاظ تأثیر آن هویت‌های ملی و قومیان را مورد مطالعه قرار داده‌اند و گروه دیگری از محققان از منظر علوم ارتباطات و تکنولوژی

اطلاعاتی گردش سریع و آسان اطلاعات در سطح جهان فرآیند جهانی شدن را مورد توجه قرار داده‌اند. برخی از اندیشوران معاصر همچون گیدنز و رابرتسون، اشکال جدید و ابعاد ناشناخته‌تر جهانی شدن را محور مطالعات خود قرار داده‌اند و بر اساس دو اصل فرهنگ و مذهب این مسئله را تحلیل کرده‌اند. به هر شکل، پیشرفت‌ها و نوآوری‌های شگرف و توسعه‌ی تکنولوژیک به ظهور پدیده‌های نو و مفاهیم جدید فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منجر شده است. این پدیده با تحولات علمی و انقلاب ارتباطات و فناوری اطلاعات مقارن شد و شتاب و گسترش بیشتری یافت. سنت و تجدد، مدرن و پست مدرن، در حقیقت فرآیند پییده‌ای است که پی‌آمدهای ویژه‌ای را به دنبال داشته است. فرآیندی که تکه‌تکه شدن و عدم تعیین و عدم قطعیت و تحول مستمر و پرشتاب از مؤلفه‌های اساسی آن به شمار می‌رود. امروزه اغلب اندیشورانی که در خصوص مفاهیم «مدرن و پست مدرن» کار می‌کنند، همواره یک طرف معامله را به عنوان راه حلی برای مسائل جهان پیشنهاد می‌کنند.

در نهایت، به رغم مجادله‌های بحث‌هایی که در مورد جهانی شدن وجود دارد، هنوز دیدگاه مشترکی در مورد ماهیت، ابعاد و پی‌آمدهای آن حاصل نشده است. و هنوز طیف گسترده‌ای از مخالفان در تلاشند تا جایگاه واقعی و عینی آن را انکار کنند و در میان مدافعان و موافقان نیز توافق علمی وجود ندارد. به‌راستی مشکل این مباحثه‌ها و مجادله‌ها در کجاست؟! این دلیل است که جهانی شدن هنوز به طور کامل رخ نداده یا اینکه فرآیندی است که در قالب گفتمان‌ها و نظام‌های فکری موجود قابل تحلیل و تبیین نیست. و باید به این علت است که ماهیت دگرگون شونده و ساختار شکنانه‌ی آن به گونه‌ای است که همیشه جلوه و ابعاد تازه‌تری می‌یابد و از این رو، نمی‌توان تعریفی ثابت از آن ارائه داد؟ با توجه به گستردگی مباحث و عدم توافق استدلال‌هایی که در این زمینه مطرح شده باید دید گرایش‌های موجود در مورد جهانی شدن تا چه حد با نظریه‌ی «بسط و گسترش سرمایه داری» یا «جهانی شدن سرمایه داری» یا «جهانی شدن

مدرنیته» یا «دهکده جهانی» مک لوهان و نظام وابستگی متقابل والراشتاین منطبق است؟ در مباحثه‌های جاری این کشمکش وجود دارد که آیا جهانی‌شدن، تنها فرآیندی اقتصادی است یا پروژه‌ای سیاسی است؟ یا اینکه اصولاً تحولی علمی-تکنولوژیکی و به تعبیری ایده‌ای جدید با ابزارهای جدید، برای اداره و مدیریت جهان است و یا اینکه فرآیند است؟ به هر حال، باید دید جهانی‌شدن به معنای واقعی و عینی با کدام گفتمان سازگار و ممکن و قابل توجیه به نظر می‌آید. اما مبانی نظام لیبرال- سرمایه داری غرب یا مدرنیته‌ی غربی با جهانی‌شدن هم‌خانه‌ی و مطابقت دارد و یا اینکه خاستگاه جهانی‌شدن با مبانی فکری و فلسفی دین سازگاری دارد، از مسائل مهم مربوط به جهانی‌شدن است. آنچه مسلم است، این است که فرآیند ابعاد گسترده‌ای تاکنون داشته است و تأثیرات بسیاری را بر همه‌ی زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... گذاشته است.